

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

بهرام رحمانی
۲۶ اپریل ۲۰۱۴

سخنان ارتجاعی و زن ستیز سیدعلی خامنه ای

در روز «زن»!

حکومت اسلامی، روز تولد «فاطمه» دختر «محمد» پیامبر مسلمانان را روز «زن» می گیرد. در این روز، همه مرتجعین ریز و درشت حکومتی، مواضع ارتجاعی و خرافاتی و زن ستیز خود را تکرار می کنند. آیت الله علی خامنه ای، سردمدار آدم کشان حکومت اسلامی، در روز زن ستیزشان، با تعریف و تمجید از فاطمه، اعلام کرد باید مرکزی مطالعاتی و فراقوه ئی برای تدوین ستراتیژی همه جانبه درباره زن تشکیل شود.

حسن روحانی رئیس جمهور حکومت اسلامی نیز در سخنرانی خود، به نقش خمینی در تغییر موقعیت زنان اشاره کرد و ادعا نمود... حجاب پس از انقلاب اسلامی به آنان امکان ورود به عرصه های گوناگون جامعه را داد. او گفت که روح الله خمینی «زن را از گوشه خانه با حجاب و عفت به جامعه آورد.» روحانی، بی شرمانه دروغ می گوید. چرا که نه تنها در سی و پنج سال گذشته زنان ایران به طور سیستماتیک سرکوب شده اند، بلکه در همین دوره اخیر نیز که خود او به قدرت رسیده گشت ارشاد را برای کنترل و سرکوب بیشتر زنان به خیابان ها آورده است. تحمیل حجاب اسلامی به زور سرنیزه به زنان، به تنهایی نشان دهنده سنبل سرکوب و اسارت زن در جامعه ماست!

خمینی، بنیان گذار حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی، روز تولد فاطمه همسر علی امام اول شیعیان را «روز زن» نام نهاده است. بنابراین، روز زن در حکومت اسلامی ایران هیچ ربطی به روز جهانی زن و حقوق برابری جنسیتی جهان شمول ندارد و ریشه اش به همان ایدئولوژی اسلامی پوسیده و ارتجاعی و زن ستیز و آزادی ستیزشان می رسد. خود علی به حدی خشن و زن ستیز بود که فاطمه بارها از دست او به پدرش محمد شکایت می کرده اما پدرش هم از موضع مذهبی و مردسالاری، اغلب طرف علی را می گرفته است.

گفته می شود یکی از تعابیر لقب ابوتراب (از القاب مورد علاقه علی)، این است که روزی پس از مجادله با فاطمه، علی به جای پاسخ به خشم فاطمه خاک بر سر خویش پاشانده است. محمد با دیدن این صحنه علی را ابوتراب نامید.

در برخی روایت ها، آمده است اختلافات بین فاطمه و علی به حدی بوده است که محمد از علی خواسته بود او را طلاق دهد. اما نقی زاده داور، نویسنده شیعه به این نکته اشاره می کند که در شریعت اسلام حق طلاق در اختیار مرد است و طلاق اکراهی نیز باطل است. وی با این استدلال که پیامبر نمی توانسته خلاف باورهائی که خود، آن ها را به عنوان احکام الهی بر مردمان ابلاغ کرده از علی بخواهد - آن طور که در روایت آمده - «ابتداء فاطمه را طلاق دهد»، درست نمی باشد.

بر اساس سخنان خامنه ای، این ستراتیژی تازه باید از تفکرات «خانانه اما ظاهراً دلسوزانه» نظریات غربی در زمینه اشتغال و برابری جنسیتی دور بماند.

خامنه ای روز ۳۰ فروردین [حمل] ۱۳۹۲، در جمع شماری از زنان گفته است: «با کدام منطق باید زنان که خداوند آنان را از لحاظ جسمی و عاطفی برای منطقه ویژه ای از زندگی آفریده است، در عرصه هائی وارد کنیم که آن ها را دچار رنج و سختی می کند؟»

او درباره محدودیت تحصیل زنان در بعضی از رشته ها که به تازگی در دانشگاه ها اجراء شده، می گوید: «اگر تفاوتی هم باشد ضد عدالت نیست چرا که نباید رشته های تحصیلی و مشاغلی که متناسب با طبیعت زنان نیست به آنان تحمیل شود.»

به گزارش سایت خامنه ای، او ادعا کرد: «غربی ها به دلایل مختلف مسأله زن را بد فهمیده اند، اما همان فهم غلط و تباه کننده را سکه رایج دنیا کرده اند و با هوچی گری، مجال حرف زدن به دیگران و مخالفان را نمی دهند.» او، در سخنان خود تأکید کرد که «باید از افکار غربی در مسائلی نظیر اشتغال و برابری جنسی کاملاً فاصله بگیریم.» خامنه ای، هم چنین گفت: «اشتغال از مسائل اصلی مربوط به زنان نیست.»

او، افزود: «با کدام منطق باید زنان که خداوند آن ها را از لحاظ جسمی و عاطفی برای منطقه ویژه ای از زندگی آفریده است، در عرصه هائی وارد کنیم که آن ها را دچار رنج و سختی می کند؟»

این سخنان و مواضع سخیف و کریه رهبر حکومت ست که سی و پنج سال است حتی زنان ایران را از ابتدائی ترین حقوق شان محروم کرده، به زور سرنیزه بر سرشان حجاب انداخته، از مشاغلی مانند قضاوت یا ریاست جمهوری محروم کرده و در قانون اساسی شان نیز آمده است که رئیس جمهور باید از رجال (مردان) باشد. هم چنین در سال های اخیر، خامنه ای به محدودیت یا ممنوعیت پذیرش زنان در برخی رشته ها تأکید کرده است. از جمله این محدودیت ها، بیانیه چند هفته پیش وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ایران بود که طی آن، اعلام شد که این وزارت، در نظر دارد که سهمیه ورود زنان به رشته های پزشکی را محدود کند. این وزارت خانه گفته است که دلیل اعمال چنین محدودیتی برای زنان پیشی گرفتن آن ها از مردان طی ۲۰ سال گذشته در ورود به این رشته هاست. هم اکنون نیز بیش از ۲۴۰۰ دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی با امضای نامه ای خطاب به رئیس این دانشگاه، خواستار رفع مشکلات آموزشی ایجاد شده بر اثر اجرای طرح تفکیک جنسیتی در این دانشگاه شدند.

به گزارش خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۳/۲/۱ امضاء کنندگان این نامه به حسین سلیمی گفته اند اجرای طرح تفکیک جنسیتی تبعات آموزشی بسیاری از جمله نقض عدالت جنسیتی، کمبود و تداخل واحدهای ارائه شده، کمبود استادان مجرب و پائین آمدن رتبه علمی دانشگاه را در پی داشته است.

خامنه ای در سال های اخیر، خواهان حذف رشته های علوم اجتماعی و انسانی شده که به گفته او، شکاکیت به وجود می آورند. بنابراین، تا روزی که چنین حکومتی بر سر کار است جامعه ایران، به ویژه زنان آب خوش از گلویشان پائین نخواهد رفت.

خامنه ای، اشتغال و مدیریت زنان را تا جایی که با خانواده منافات نداشته باشد، بدون ایراد توصیف کرده است. او که برابری جنسی زن و مرد را از «حرف های کاملاً غلط غرب» می داند، می گوید: «این که زنان برخی مشاغل را به عهده نگیرند، هیچ ننگ و نقصی نیست، بلکه چیزی غلط است که متناسب با طبیعت الهی زن نباشد.»

خامنه ای، با تأکید با «گفتمان اسلام»، گفته است: «به هیچ وجه نباید در مقابل گفتمان غرب در خصوص زن منفعل شد، بلکه باید گفتمان اسلام در مورد زن را به صورت تهاجمی و طلبکارانه مطرح کرد.»

واقعاً «گفتمان اسلام» در مورد زن چیست؟ ارزش زنان از دیدگاه «قرآن» و ایدئولوژی اسلامی، تا حدی است که زیر دست مردان باشند و هیچ گاه نمی توانند مساوی مردان باشند چه رسد به این که بالاتر باشند. بدین معنا که مردان قیم زنان اند. علت آن هم اولاً برتری است که «خداوند»، به مردان نسبت به زنان داده است.

خشونت علیه زنان در همه مذاهب و امروز به خصوص در اسلام، به معنی هرگونه عمل خشونت باری است که مبتنی بر جنسیت بوده و لزوماً یا احتمالاً می تواند به آسیب یا صدمه جسمانی، جنسی و روانی منجر گردد. هم چنین تهدید به چنین اعمالی و محدود ساختن آزادی در حیات اجتماعی و یا حتی در قلمرو زندگی خصوصی، خشونت محسوب می شود. خشونت علیه زنان، چه در قوانین، جامعه و چه در خانواده، آن گونه که در حال حاضر مرزبندی و طبقه بندی شده است در سه طبقه اصلی جای می گیرد: الف: خشونت جسمی؛ ب: خشونت روانی؛ ج: خشونت جنسی. تعریف و توضیح این سه مورد روشن است. اما دیدگاه قرآن درباره این سه مورد خشونت بر زنان چیست؟

در طول تاریخ، مذهب‌یون به خصوص گروه های اسلامی و آخوندهای مفت خور و متجاوز، تلاش های زیادی به خرج داده اند تا قوانین و آیت های زن ستیز و آزادی ستیز در قرآن و احادیث را توجیه کنند و چهره پیامبرشان محمد و امام شان علی را با دروغ های تاریخی و ادعاهای بی پایه آرایش کنند. از جمله ازدواج های متعدد محمد با کودک و جوان و پیر را با دلایل و استدلال های مضحک توجیه کرده اند.

در مورد ستم و ظلم و تبعیض فراوان به زنان در آئین اسلام، سخن های بسیاری رفته است. زنان محمد، به راستی کشتزار هائی بوده اند که او از هر دری بدان ها وارد می شده است.

آیت ۵۱ سوره احزاب: از زنان خود هر که را خواهی به نوبت مؤخر دار و هر که را خواهی با خود، نگه دار و اگر از آن ها که دور داشته ای یکی را بطلبی بر تو گناهی نیست در این گزینش و اختیار باید که شادمان باشند و غمگین نشوند و از آن چه همگی شان را ارزانی می داری باید که خشنود گردند و خدا می داند که در دل های شما چیست و خداست که دانا و بردبار است.

آیت ۵۲ سوره احزاب: بعد از این زنان، هیچ زنی بر تو حلال نیست و نیز زنی به جای ایشان، اختیار کردن، هر چند تو را از زیبایی او خوش آید، مگر آن چه به غنیمت به دست تو افتد و خدا مراقب هر چیزی است.

سوره النساء (زنان)، آیت ۳۴: ... و آن زنان را که از نافرمانی شان بیم دارید، اندرز دهید و از خوابگاهشان دوری کنید و بزنیدشان. اگر فرمانبرداری کردند، از آن پس دیگر راه بیداد پیش مگیرید. و خدا بلند پایه و بزرگ است.

ادله حد سنگسار (سنگسار کردن) در قرآن: اهل سنت همانند شیعه برای ثبوت حکم سنگسار به آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نساء و آیت ۲ سوره نور استناد کرده اند.

آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نساء: «در باره آن دسته از زنان تان که مرتکب فحشاء می شوند، پس باید چهار نفر را علیه آنان به شهادت گیرید. پس از آن که شاهدان شهادت دادند، زنان را در خانه حبس کنید تا آن که مرگ آنان فرا رسد و یا خداوند راهی برای ایشان قرار دهد. و درباره مردانی از شما که مرتکب فحشاء می شوند، پس آنان را آزار دهید. اگر توبه کردند و اصلاح شدند، پس از ایشان دست بردارید که خداوند توبه پذیر و مهربان است.»

آیت ۲ سوره نور: «در باره زن و مرد زناکار، پس هر یک را صد تازیانه زنید و در دین خدا نسبت به آنان رأفت روا مدارید و گروهی از مؤمنان را بر مجازات ایشان شاهد بگیرید.»

«شعبی، نقل می کند از علی علیه السلام که روز جمعه، زنی را رجم کرد و فرمود: بر اساس سنت رسول خدا (ص) او را رجم کردم.» (۱)

برای اجرای این حکم وحشیانه و تکان دهنده «حد زن زناکار»، اگر زنای او با شهادت شهود اثبات شده باشد، گودالی که گودی آن تا سینه زن است حفر می کنند، اما اگر زنای زن با اقرار خودش اثبات شده باشد، گودال حفر نمی کنند و

هم چنین برای اجرای حد رجم برای مردان نیز گودالی حفر نمی شود. وسیله اجرای حکم، سنگ های متوسط است و شدت ضربه نباید به نحوی باشد که در همان ابتداء فرد را بکشد، اگر زنا با شهادت شهود اثبات شده باشد، شهود ابتداء شروع به پرتاب سنگ می کنند و اگر همگی یا یکی از شهود از زدن امتناع کند، حد ساقط می شود و در جایی که حد زنا با اقرار فرد صورت گرفته باشد، قاضی یا امام باید آغازکننده باشد.

حکم سنگسار در زمان حکومت اسلامی محمد و به دستور شخص او صادر و اجراء شده است. هم چنین خصوصاً در زمان علی اما اول شیعیان و خلفای اول و دوم (ابوبکر و عمر) نیز این حد انجام می شده است. علاوه بر این موارد تاریخی، علمای مذهبی نیز حکم به سنگسار می دهند.

«ابو زبیر می گوید از جابر بن عبدالله شنیدم که می گفت: رسول خدا (ص) مردی از اسلم، و مردی از یهود و زنش را رجم کرد.» (۲)

روایتی در کتب شیعه و سنی نقل شده است که شخصی به نام ماعز بن مالک خدمت پیامبر رسید و گفت: من زنا کرده ام. ... حضرت حکم رجم او را صادر کردند. اصحاب حفره ای حفر کرده و شروع به سنگسار کردند. بعد از برخورد سنگ، ماعز از حفره خارج شده و فرار کرد که زبیر با استخوان شتری به او زد و او را دست بسته برای سنگسار برگردانید. قضیه را به پیامبر مکرم اسلام خبر دادند. ایشان فرمودند: بعد از فرار از حفره چرا رهاش نکردید؟ سپس فرمودند: اگر گناه خویش را پنهان می داشت و توبه می کرد، برای او بهتر بود. (۳)

روایت شده است که پیامبر، همان طور که ماعز را با اقرارش سنگسار کردند، این حکم را در مورد دو زن از قبیله های بنی غامد و جهینه نیز با اقرارشان اجراء نمود. (۴)

علی، درباره زنی که زنا کرده بود و حامله شده و فرزندش را به طور پنهانی به قتل رسانده بود، به صد ضربه شلاق حکم نموده و سپس او را سنگسار کردند... (۵)

روایت است زن خیبریه از بزرگان خیبر با مردی زنا کرد، در حالی که محصنه بود و نمی خواستند او را سنگسار کنند. فردی را فرستادند نزد پیغمبر (ص) که از این مسأله استفسار نمایند به طمع آن که شاید به سنگسار کردن امر نفرماید. آن حضرت (ص) فرمودند: به حکم من راضی می شوید؟ گفتند: آری. پس حکم فرمود که سنگسار کنند. ایشان قبول نکردند. جبرئیل علیه السلام آمد و خبر داد آن حضرت را که ابن صوری نام شخصی است در میان ایشان او را حکم گردان میان خود و ایشان. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به ایشان گفت: ابن صوری را می شناسید؟ گفتند: آری می شناسیم و تعریف بسیار کردند او را. آن حضرت او را طلب نمود، گفت: سوگند می دهم ترا به خدای تعالی که در کتابی که موسی علیه السلام از نزد خدا آورده، حد زنا محصن و محصنه را رجم یافتی یا نه؟ گفت: آری یافتم و اگر نمی ترسیدم از پروردگار آن کتاب که تورات است، من نیز پنهان می داشتم و اعتراف نمی کردم به صدق قول تو. (۶)

زنی به نام شراحه همدانی نزد امام علی آمد و به زنا خویش با اصرار اقرار می کرد. ... امیرالمؤمنین علیه السلام برای رجم شراحه همدانیه حاضر شدند. ازدحام به قسمی بود که نزدیک بود برخی، برخی دیگر را از فشار هلاک کنند. حضرت دستور دادند او را به صحن خانه آوردند و سنگسارش کردند تا جان سپرد. سپس مردم وارد شدند و هر کس می رسید زبان به لعن مرحوم می گشود. چون آن حضرت چنین دید منادی را فرمان داد ندا کند: ای گروه مردم! زبان سوء را از این شخص بگیرید، چرا که هر کس بر او حد الهی جاری شود، همان حد، کفاره گناه اوست در دنیا، هم چنان که بدهی در برابر بدهی است. (۷)

روایت شده است امیرالمؤمنین علیه السلام، سراقه را به جهت آن که زنا کرده و محصنه بود روز پنجشنبه صد تازیانه زد و روز جمعه سنگسار فرمود و گفت: تازیانه زدم او را به کتاب الله و رجم کردم او را به سنت رسول الله صلی الله علیه و آله. (۸)

مردی نزد امیر المؤمنین آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! من زنا کردم، پاکم کن. آن گاه امیر مؤمنان- علیه السلام- فرمان داد او را حبس کنند (تا بعد به رجم او اجراء شود). (۹)

در اسلام، اگر زن و مردی خارج از ازدواج با همدیگر رابطه عاشقانه داشته باشند به سنگسار محکوم می گردند در حالی که در قرآن، روایات، رساله ها و احادیث و غیره تصویری که از بهشتیان داده می شود غیر از خوردن و خوابیدن و شهوت رانی کار دیگری ندارند. برای مثال، «در آن دنیا، حوری از خیمه خود بیرون آید و روی به تخت مؤمن بخرامد و چون به نزد مؤمن می آید با پانصد سال از سال های دنیا همدیگر را بوسه زنند که برای هیچ کدام شان، خستگی و ملال حاصل نمی گردد.» (۱۰)

تصور کنید نویسندگان و تولیدکنندگان این نوع داستان ها چه تخیلاتی دارند که «با پانصد سال از سال های دنیا همدیگر را بوسه زنند»؟!

هر مؤمنی را هفتاد زوجه از حوران می دهند و چهار زن از آدمیان، که ساعتی با حوریه صحبت می دارد و ساعتی با زن دنیا و ساعتی با خود خلوت می کند و بر کرسی ها تکیه زده اند و با یک دیگر صحبت می دارند. (۱۱)

بیش تر نهرهای بهشتی از نهر کوثر است که در کناره آن دختران نار پستان (مانند گیاه) می رویند. در بهشت نهری وجود دارد که در دو طرفش دختران باکره سفید روی و سفید پوش نشسته اند و مشغول تغنی (آواز خواندن) هستند. (۱۲)

هیچ مؤمنی داخل بهشت نمی شود مگر آن که خداوند غنی، پانصد حوری به او عطا می فرماید که با هر حوری هفتاد غلام و هفتاد کنیز نیز می باشد که هر یک مانند لؤلؤ منثور و لؤلؤ مکنون می باشند. (۱۳)

البته همه این وعده ها و امتیازات ویژه، باز هم مربوط به مؤمنان مذکر بهشتی است نه مؤنث. یعنی زن ها وسیله ای برای تأمین نیازهای جنسی مردان مؤمن به حساب می آیند.

این گزارش های تاریخی و روایی نشانگر این است که محمد و علی و عمر و عثمان، همگی جنایتکار و تبهکار بودند و دین شان نیز مانند اعمال شان جنایت کارانه است.

سنگسار، جنایتی ست که در عهد محمد، خلفاء و امامان به عنوان مجازات زناکار اجراء می شده است. روایات فراوانی از سران مذهبی در رابطه با مجازات سنگسار وجود دارد و در کتاب روایی وسائل الشیعه، ج ۲۸ باب دوم از ابواب حد زنا ذکر شده است. این روایات بر این دلالت دارند که اگر مرد عاقلی دارای همسر دائم (یا کنیزی) باشد که هرگاه خواست بتواند از او استفاده کند و با این حال زنا کند، بر او حد زنا محصنه جاری می شود. هم چنین زن عاقلی که همسر دائم داشته باشد که هرگاه خواست بتواند با او خلوت نماید، اگر زنا کند، زناپیش محصنه است.

سنگسار بدین صورت است که مرد را تا کمر و زن را تا سینه در خاک دفن می کنند و او را با سنگ های کوچک می زنند تا بمیرد. اگر اثبات زنا با شهادت شهود صورت گرفته باشد، ابتداء شاهدان سنگسار را آغاز می کنند و اگر شخص خود اقرار به زنا کرده باشد، حاکم شرع سنگسار را آغاز می کند. گفته شده که حضور گروهی که حداقل یک نفر یا سه نفر و بنا بر نقلی دیگر ده نفر هستند، لازم است.

سنگ هایی که در اجراء حکم رجم استفاده می شود، باید قبلا در محل آماده شده باشد و بزرگی آن نباید به حدی باشد که با اصابت یک یا دو عدد، محکوم کشته شود و نباید آن قدر کوچک باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند. پس از اجراء حکم، زناکار را غسل و کفن می کنند، بر او نماز می خوانند و سپس وی را دفن می کنند. (۱۴)

بر مبنای فقه اسلامی، زنا محصنه از جمله حدود الهی و مستوجب یکی از شدیدترین و خشن ترین مجازات ها یعنی سنگسار است. قضاوت و مجازات نیز از جمله حوزه هائی هستند که فقها خود را در آن حاکم مطلق می دانند و تمایل دارند قانون خود، یعنی فقه را به تمامی بر آن ها اعمال کنند.

مطابق اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۲ همین قانون جدید، تنها اعمالی جرم محسوب می شود که «قانون» برای آن مجازات تعیین کرده باشد. هم چنین در مواد ۱۷۲ و ۱۹۸ قانون جدید، آشکارا از مجازات رجم (سنگسار) برای زنا صحبت می کنند. ماده ۱۷۲ مقرر داشته است: «انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست، به جز در اقرار به جرمی که مجازات آن رجم یا اعدام است...» مطابق ماده ۱۹۸ نیز «...برای اثبات زنا شهادت دو مرد و چهار زن عادل کافی است. مگر مواردی که حد زنا، اعدام یا رجم است که در این صورت حداقل شهادت سه مرد و دو زن عادل لازم است...»

از سوی دیگر، ماده ۲۲۰ قانون جدید نیز، مجازات حدودی را که در قانون ذکر نشده به اصل ۱۶۷ قانون اساسی ارجاع داده است. اصل ۱۶۷ هم موارد سکوت قانون را به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر ارجاع داده و راه را برای استناد به کتب فقهی و فتاوی فقها باز کرده است.

البته مطابق ماده ۲۲۱ قانون جدید «هرگاه رجوع به اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی لازم شود، مقام قضائی از رهبری استفتاء می کند. مقام رهبری می تواند این امر را به فرد یا افرادی تفویض کند.» مجازات زنا، محصنه نیز در منابع فقهی مورد تأیید حکومت اسلامی - همان گونه که در قانون سابق بدان تصریح شده بود- سنگسار است. به علاوه با توجه به این که این مجازات در زمره حدود قرار دارد، در صورت اثبات، امکان تبدیل یا تخفیف آن نیز وجود ندارد.

محمد دهقان عضو کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۳، در مصاحبه ای، امکان تغییر «حکم الهی سنگسار» را در قانون جدید مجازات اسلامی رد نموده و تأکید می کند: «عقلانی نیست که مجازات سنگسار حذف شود.» او، همچنین در پاسخ به این سؤال خبرنگار که «نه حذفی در کار است نه تعدیلی؟» اظهار می دارد: «بله، صحبت این حرف ها نیست. چرا که حکم سنگسار حدود الهی است. چه کسی می تواند و حق دارد که در حدود الهی دست ببرد، آن را لغو یا تعدیل کند؟... در لایحه جدید مجازات اسلامی که از طرف قوه قضائیه آمده و در بررسی های کمیسیون قضائی مجلس این حدود واگذار به شرع شده است و در قانون نمی گنجد.»

خبرنگار می پرسد: «پس صورت مسأله را پاک نکرده ایم و فقط جابه جا کرده ایم؟» که او، تأیید می کند: «بله، حق نداریم این کار را انجام دهیم چون شرع چنین اجازه ای نداده ... حکم سنگسار واگذار به شرع شده است نه قانون. اختلافی در شرع نسبت به این حدود وجود ندارد. یعنی از قانون به قانون مادر که همان شرع است ارجاع داده شده است. قضات دادگاه ها هم با استناد به شرع، حکم موضوع را صادر می کنند ... همه ما خبر داریم که متأسفانه در واکنش های جهانی نگاه خوبی به این مسأله نیست اما آن ها نمی دانند کتاب آسمانی ما چنین حکمی داده است. یکی از دلایل جلسات اعضای کمیسیون قضائی مجلس با کارشناسان قضائی هم همین بود که این حکم در قانون آورده نشود و احاله به شرع گردد. سوء تفاهماتی همواره برای کشور ما وجود داشته و دارد، غافل از این که ما به حدود الهی عمل می کنیم.»

چند حدیث: - رسول خدا (ص) از حضرت جبرئیل (ع) سؤال نمود که آیا فرشتگان خنده و گریه دارند؟ جبرئیل فرمود: بله. (یکی از آن جاهائی که فرشتگان می خندند) زمانی است که زن بی حجابی و بدحجابی می میرد، و بستگان او را در قبر می گذارند و روی آن زن را با خشت و خاک می پوشانند تا بدنش دیده نشود. فرشتگان می خندند و می گویند: تا وقتی که جوان بود و با دیدنش هر کسی را تحریک می کرد و به گناه می انداخت (پدر و برادر و شوهرش و...) از خود غیرت نشان ندادند) و او را نپوشانند، ولی اکنون که مرده و همه از دیدنش نفرت دارند، او را می پوشانند.

- پیامبر می فرماید: خداوند شما را از عریان شدن نهی کرده است پس شرم کنید از فرشتگانی که همراه شما هستند همان گرامیانی که از شما جدا نمی شوند مگر هنگام قضای حاجت و خلوت کردن با همسر.

- عایشه می گوید: دختر عبدالله بن طفیل که برادر مادری من بود در حالی که زینت کرده بود به خانه ام آمد. در همان هنگام پیامبر (صلی الله علیه وآله) نیز وارد شد و هنگامی که او را دید از او روی برگرداند. عایشه گفت یا رسول الله این دختر، بردار زاده من و خردسال است! پس پیامبر فرمود: هنگامی که زن به دوران عادت ماهانه رسید بر او جایز نیست که جز روی خود موضع دیگری را نمایان کند. (۱۵)

همه مذاهب اصلی، هرگز زن را به عنوان یک انسان مستقل به رسمیت نشناخته اند به خصوص در دیدگاه همه آن ها، حوا از دنده چپ آدم آفریده شده تا آدم را از تنهائی دربیاورد. بنابراین، همه مذاهب زن ستیز و آزادی ستیز و ارتجاعی هستند.

در آئین یهود، شهادت و سوگند زن مقبول نیست و از دعاها روزانه آن ها یکی این است که می گویند: تبارک الله ای خالق و سلطان عالم که مرا زن نیافریدی. ارزش های رایج در متون مذهبی یهود این است که اگر دید الاغ از نردبان بالا رود زن هم عقل پیدا می کند. دعا کن خداوند تو را از شر زن محفوظ کند. در کتاب مقدس آمده است هرکس که نزد خداوند محبوب است خود را از شر زن محفوظ خواهد داشت و در میان هزار مرد یک نفر پیدا می شود که به نزد خداوند محبوب باشد اما از میان تمام زنان عالم حتی یک زن هم پیدا نمی شود که نزد خداوند محبوب باشد.

در اندیشه مسیحیان، زن عاملی وسوسه گر و عامل فریب آدم و همکار شیطان کوچک خوانده می شد. زن از این که زن است باید شرمسار باشد. زن آخرین حیوانی است که مرد او را اهلی کرده است زن موجودی ست گیسوان بلند دارد و عقلی کوتاه. و از عالم مسیحی به عنوان مرجع بزرگ مسیحیت می خوانیم که فتوا داده است زن بالفطره سبک مغز و شهوت ران و شیفته لباس و تظاهر است و مرد جز این که او را در خانه محبوس نگه دارد راهی ندارد مجمع دینی فرانسه پس از بحث زیادی که در باره ماهیت زن نموده چنین نظر داد که زن انسان است اما برای خدمت به مردان آفریده شده است.

در اسلام، زن عنصر گناه و سرچشمه شر و وسوسه معرفی شده است و گفته اند شیطان از طریق زن مرد را می فریبد. شیطان حوا را فریفت و حوا آدم را، قرآن داستان آدم را مطرح کرده است. در اسلام، زن نمی تواند به مقام های معنوی برسد و یا نمی تواند به مقام قرب الهی آن طور که مردان می رسند، برسد. عموماً در نزد مذهبیون، زن یک شر است و او را مایه بدبختی و گرفتار مرد می دانند.

محمد، گفته است: زن چون پیش آید مانند شیطان است و باز چون پشت کند مثل شیطان خواهد بود و به هر صورت، راهزن ایمان و فریبنده انسان و منحرف کننده دل های مردم می باشد. نیز روایت است که پیامبر روزی در وقت صبح به جانب زن ها، رو کرد و مقابل آن ها ایستاد و گفت: ای جماعت زنان! ندیده ام مانند شما افرادی را که از جهت عقل و دین ضعیف باشند و در عین حال دل های صاحبان خرد را جلب کرده و مفتون خود نمایند. من بیشتر اهل آتش را از شما دیدم. در حدیثی دیگر، او گفته است: شما زن ها اکثریت اهل جهنم را تشکیل می دهید. زنی پرسید یا رسول الله برای چه؟ فرمود: شما بدگویی بسیار و طرد و لعن زیادی به دیگران می نمائید. و در مقابل شوهر و افراد فامیل کفران نموده و خوبی های آن ها را نادیده می گیرید. و در عین حال، رأی شما کوتاه و دین شما ضعیف است. زن ها گفتند: کوتاهی فکر و ضعف دین ما از کجاست؟ فرمود: دلیل نقصان فکر شما، این است که: پروردگار متعال، شهادت دو نفر از شما را به جای شهادت یک مرد قرار داده است. اما نقصان دین شما به این دلیل است که، هر ماه روزها و شب هائی می گذرد، بی آن که مقابل پروردگار سجد کرده و عبادت او را انجام دهید.

علی، گفته است: زن ناقص العقل و الایمان است. این نوع خزعبلات به ویژه در نهج البلاغه موج می زند. علی، خطاب به فرزند خود حسن، گفته است: از مشورت با زن ها پرهیز کن؛ زیرا نظر آن ها به نقص و عیب است و تصمیم آن ها به سستی و

در پایان می توان تأکید کرد که در حکومت اسلامی ایران، این خامنه ای است که در مورد همه مسایل حاکمیت حرف اول و آخر را می زند. از این رو، سخنان و موضع گیری ها و فتوای او بالاتر از هر ارگان و مسؤول حکومتی، حتی بالاتر از هر قانونی به خصوص قانونی اساسی حکومت اسلامی است هنگامی که رسماً اعلام می کند همه حقوق زنان باید صرف شوهرداری و خانه داری و بزرگ کردن بچه شود، با صدای بلند ماهیت ضدانسانی و زن ستیز و آزادی ستیز نه تنها حکومت شان، بلکه اسلام شان را نیز به نمایش می گذارد. بنابراین، افراد و جریاناتی که هنوز به جناح های این حکومت چشم دوخته اند و به مردم می گویند منتظر معجزه این امامزاده باشند خاک به چشم جامعه می پاشند. زیرا این حکومت سی و پنج سال است به طور سیستماتیک زنان را سرکوب می کند، گروه گروه انسان ها را اعدام می کند؛ هیچ حق و حقوقی برای شهروندان قائل نیست، چگونه می توان منتظر وعده های دروغین سران و مقامات آن ماند. به علاوه آن طیف های سیاسی که ظاهراً در میان اپوزیسیون هستند و حکومت اسلامی هیچ جایگاه و ارزشی به آن ها نمی دهد اما هم چنان چشم به تحولات درونی حاکمیت دل خوش کرده اند منافع طبقاتی شان را در نظر می گیرند و حواس شان است که اصلاحات گام به گام و کنترل شده به نفع آن هاست نه سرنگونی کلیت این حاکمیت تبه کار و جنایت کار با قدرت مردمی!

حکومت اسلامی ایران، در این سی و پنج سال حاکمیت خونین خود، با اتکاء به قوانین وحشیانه اسلامی و سیاست های محمد، عمر و علی، ده ها هزار انسان را به دیار نیستی فرستاده است و میلیون ها زن، حتی دختر بچه ها را در معرض دایمی سرکوب و تجاوز قرار داده است. نهایتاً این حکومت جانی، رسماً و علناً یک جامعه نزدیک به هشتاد میلیونی را به اسارت گرفته و مانند اسراء با آن ها رفتار می کند. در این بیش از سه دهه، اکثریت شهروندان جامعه ایران، هرگز احساس امنیت جانی، شغلی و مالی نکرده اند و امروز بیش از هر زمان دیگری این نامنی سراسر جامعه ایران را فراگرفته است.

در چنین شرایطی، تنها راه رهایی مردم ایران از آپارتاید جنسی و سرکوب و اعدام و فلاکت های اقتصادی، از جمله ایدئولوژی به غایت غیرانسانی و وحشیانه این حکومت، روی آوری به مبارزه متحدانه و آگاهانه علیه کلیت حکومت اسلامی با هدف برپائی یک جامعه آزاد، برابر و انسانی است! بی تردید با اوج گیری مبارزه طبقاتی علیه حکومت اسلامی، زنان آگاه و مبارز در صف مقدم و رهبری آن قرار خواهند گرفت.

منابع:

- ۱- صحیح بخاری، ج ۲۲، ص ۳۴۶؛
- ۲- صحیح مسلم، ج ۹، ص ۷۵؛
- ۳- الف- مصنف ابن ابی شیبیه، (به نقل از حقوق زندانی و موارد زندان در اسلام، ص ۲۸)، ج ۱۰، ص ۷۲؛ ب- شیخ طوسی، الخلاف، ج ۵، ص ۳۶۶؛ ج- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۷، ص ۱۸۵، ح ۵، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۵ هـ ش؛
- ۴- حسائی، ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، ج ۳، ص ۴۴۱، انتشارات سیدالشهداء، قم، ۱۴۰۵ هـ ق؛
- ۵- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۶۵؛
- ۶- صحیح مسلم، مسلم النیسابوری، دار الفکر- بیروت، ج ۵، ص ۱۲۳؛
- ۷- (الف- قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ایران، دوم، ۱۴۱۳ هـ ق، ۴ جلد، ص ۲۵؛ ب- مغربی، ابو حنیفه، نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الإسلام، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم - ایران، دوم، ۱۳۸۵ هـ ق، ۲ جلد، ص ۴۴۵؛

- ۸- صحیح البخاری، بخاری، دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، ج ۸، ص ۲۱؛
- ۹- بحار الانوار (به نقل از تفسیر قمی)، ج ۷۶، ص ۳۵، ح ۷؛
- ۱۰- بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۵۷، ح ۹۸؛
- ۱۱- بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۹۶؛
- ۱۲- بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۹۶؛
- ۱۳- بحار الانوار، ج ۸، ح ۲۰۵؛
- ۱۴- العاملی، محمد بن جلال الدین؛ الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدشقیه، تحقیق السید محمد کلانتر، ج ۱، انتشارات داوری، قم، ۱۴۱۰ ق، ج ۹، ص ۸۹؛
- ۱۵- جامع البیان، ج ۹.

* برگرفته از: ماهنامه دیدگاه سوم، شماره ۴، اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۳

